

بهرام ولدبیگی و سازمان زحمتکشان: اهداف و سرنوشت مشترک

خالد علی پناه

شاید خیلی ها با نام انسانهایی مثل بهالدین ادب و بهرام ولدبیگی و خالد توکلی و چند نفری دیگر در بقیه شهرهای کردستان ایران در این دو سه سال اخیر آشنا شده باشند، این آقایان جزء خودیهای جمهوری اسلامی هستند و جزء آخرین نفراتی هستند که از جبهه دوم خرداد دفاع محافظه کارانه میکنند، آنها هنوز شهامت اکبر گنجی ها را در نقد رژیم ندارند و هنوز مدافع چهارچوب نظام هستند، گاه گاهی مطالبی را در مورد مسئله کرد روی سایتهای اینترنت میفرستند و ناسیونالیستهای کرد را خشنود میکنند، به دیدن آقایان طالبانی و بارزانی میروند، و از راه اندازی مجدد پارلمان که چند سال قبل توسط خود نیروهای احزاب حاکم در کردستان عراق به توپ بسته شد، سر از پا نمی شناسند، چهره های "محبوب" کرد میشوند، احزاب ناسیونالیست بر سر مصاحبه گذاشتن با اینها مسابقه میدهند، حزب دمکرات کردستان آنها را افتخاری جزء رهبری خودش بحساب میآورد، سازمان زحمتکشان آنها را انقلابیون روشنفکر کرد مینامد، مصاحبه هایشان را هر کجا گیر بیارد همراه اسم و رسمشان ماهها روی سایتشان میگذارد.

تازگی یک اظهارنظر آقای ولدبیگی را در مورد نگرانی سران جمهوری اسلامی در مورد استقلال کردستان عراق روی سایت بروسکه که متعلق به سازمان زحمتکشان می باشد و توسط آقای محمد(حمید بهتر است چون با همین نام خود را معرفی کرده است) بهرامی عضو کمیته مرکزی این سازمان هدایت میشود آنهم نه توسط آقای ولدبیگی بلکه از متن اخبار رادیو اسرائیل در آورده و با عکس این شخصیت محبوبشان در روی صفحه اصلی سایتشان گذاشته اند. آقای بهرام ولدبیگی و بها ادب را مردم سنندج و حومه خوب میشناسند خدمات ارزنده این عالیجنابان به رژیم و دفاع "مخلصانه" آنها از "امام" خمینی و خاتمی و خامنه ای و بویژه "ناطق نوری" و دفاع از پایه های جمهوری اسلامی طی این ۲۳ سال بر کسی پوشیده نیست. ۲۳ سال لشکرکشی و کشتار و زندان و شکنجه، آواره کردن و ویران کردن دهات بر سر مردم کردستان، اعدام جوانان و انقلابیون و کمونیستها همگی مورد تائید و حتی در مواردی تحت فرمان و هدایت کسانی مثل جلالی پور صورت گرفته است. اکنون جنایتکاران و عصای دست جانیان اسلامی در کردستان، به "مبارزین روشنفکر کرد" تبدیل شده اند و به زعم سازمان زحمتکشان وزن سنگین "شکوفائی فرهنگی" در کردستان ایران را این عالی جنابان داشته اند. جایگاه سیاسی چنین کسانی، کارنامه آنها در خدمت به جمهوری اسلامی و مواضع ضد مردمی آنها از نظر سازمان زحمتکشان اهمیتی ندارد. چنین آدمهایی "کرد" هستند، مگر نه اینکه صحبت کردن به زبان کردی یک حربه سیاسی برای سازمان زحمتکشان است و هر ساله دانش آموزان را فراخوان میدهند که بعنوان "اعتراض" و سمبل "مبارزه" در هفته اول "فقط کردی" حرف بزنند؟ آقای ولد بیگی که انستیتو "کرد" را هم ریاست میکند و صاحب

امتیاز و سر دبیر روزنامه "کردی" زبان آبدرد هم هست! اهداف مشترک سازمان زحمتکشان و "طیف" ولد بیگی ها را خیلی ساده میشود تشخیص داد. اما آقای ولد بیگی چه گفته است و کدام تاکتیک و بندبازی را دست نشان کرده است که قوم پرستان و احزاب ناسیونالیست او را چنین مهم و در صدر سایتهایشان قرار داده است؟ آقای بهرام ولدبیگی در اظهار نظرش با یک تیر دو نشان را هدف میگیرد، ایشان مدیر مسئول انستیتو فرهنگی کردستان ایران است که توسط جمهوری اسلامی بنیاد نهاده شده است. میخواهد سوپاپ اطمینانی باشد برای جمهوری اسلامی که به نیابت احزاب حاکم در کردستان عراق به سران رژیم قول بدهد که هیچ مسئله استقلال در بین نیست و این احزاب همچون گذشته دوست و یار و گوش به فرمان جمهوری اسلامی خواهند ماند و یا اگر جمهوری اسلامی غفلت کند فقط به عنوان ابزاری در دست دولتهای دیگر مثلا ترکیه، آمریکا و عربستان سعودی و غیره خواهند ماند. آقای ولد بیگی انگار که از عمق افکار و تمایلات سران احزاب ناسیونالیست در کردستان عراق با خبر است میخواهد برای سران رژیم اسلامی خودشیرینی کند و اطمینان دهد که نگرانی جمهوری اسلامی نابعاست و یا شاید زیاده از حد است. به نظر من بهرام ولد بیگی بعنوان یک مشاور جمهوری اسلامی و کسی که منفعت سیاسی این رژیم را تشخیص میدهد، باین ترتیب میخواهد بگوید که احزاب حاکم در کردستان عراق کماکان نیروهائی در دست رژیمهای منطقه باقی میمانند، ربطی به حل مساله کرد و استقلال و تشکیل دولت جداگانه ندارند و بهتر است که جمهوری اسلامی هم چنین نیروهای عروسکی را بیخودی از دست ندهد. نکته دوم یا هدف دیگر آقای ولدبیگی، یافتن راه خروج و فرار برای خود در شرایط فروپاشی رژیم اسلامی است. تملق و چاپلوسی بر درگاه جریانات ناسیونالیست کرد در ایران و عراق است تا به آنها بگوید که باید برای او و امثال او در اوضاع بحرانی و تضعیف و فروپاشی رژیمهای منطقه و در اینجا بویژه جمهوری اسلامی برای او حساب باز کنند.

اما مرتجعین و خادمین رژیمهای ارتجاعی حتی در دوره سقوط و فروپاشی نمیتوانند از ارتجاع دست بکشند. امثال ولد بیگی نمیتوانند بفهمند مردمی که بیش از دو دهه بر علیه رژیمی که ایشان و بقیه همقطارانش تا همین الان هم مدافعش هستند، مبارزه کرده اند، کشته داده اند زندانی شده اند و آواره وبی خانمان شده اند، و اکنون نیز با برنامه روشن و اراده مصمم در بطن مبارزات مردم قرار دارند، اجازه نمیدهند سرنوشتشان توسط کسانی که در دامن رژیم اسلامی پرورده شدند و طبق نمونه ای که حاکمیت احزاب ناسیونالیست و عشایر بر مردم کردستان عراق تحمیل کردند، رقم زده شود. بگذار سازمان زحمتکشان، بر چهره های "فرهنگی" امثال ولد بیگی و خالد توکلی که محصول سلطه ارتجاع اسلامی اند تا میتوانند مدال افتخار آویزان کند، بگذار عوامل و عصای دست جمهوری اسلامی و احزاب عشیره ای کردستان عراق و قوم پرستان و حزب دمکرات کردستان ایران به یکدیگر نان قرض دهند. آنچه که مسلم است ما کمونیستها همراه با مردم آزادیخواه، جوانان انقلابی و زنان برابری طلب اجازه نخواهیم داد سناریو کردستان عراق بر مردم کردستان ایران تحمیل شود، اجازه نخواهیم داد حاصل ۲۳ سال مبارزه کمونیستها و مردم کارگر و زحمتکش آزادیخواه از معادلات سیاسی حذف شوند. جمهوری اسلامی در حال فروپاشی است، اما خواب و خیال ارتجاعی احزاب ناسیونالیست و قوم پرست برای تبدیل کردن کردستان ایران به

میدان حاکمیت احزاب عشیره‌ای طبق اردوگاه آوارگانی که بیش از ده سال است بر مردم کردستان عراق تحمیل کرده‌اند، واهی، پوچ و فقط اوهام است. راه ساخت و پاخت حزب دمکرات و سازمان زحمتکشان با عوامل سیاسی و فرهنگی رژیم اسلامی را باید بست. مردم و کمونیسم کارگری فاکتورهای تعیین کننده‌ای در معادلات سیاسی و تحولات جامعه ایران اند. دشمنان مردم با چراغ سبز دادن و نان به قرض دادن به احزاب ناسیونالیست و قوم پرست، خیال واهی دارند که میتوانند سرنوشت مردم کردستان را با این بازیها و بند و بستها و یارگیریهای متقابل خود، رقم بزنند. کارگران و زحمتکشان آزادیخواه، جوانان و زنان مبارزه و برابری طلب و نیروی کمونیسم کارگری نباید چنین اجازه‌ای را به آنها بدهد.

۲۰۰۲ \ ۱۰ \ ۱۸